

میرزا کوچک خان و استعمارستیزی

محمد امیر شیخ نوری

شناسنامه پژوهشی

- عنوان تحقیق: میرزا کوچک خان و استعمارستیزی
- پژوهشکده: فرهنگ و مطالعات اجتماعی
- گروه علمی: تاریخ و تمدن
- محقق: محمد امیر شیخ نوری
- ناظر علمی: مرتضی نورائی
- ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین علی ذوعلم
- موضوع اصلی: تاریخ معاصر
- موضوع فرعی: استعمارستیزی



میرزا کوچک خان و استعمارستیزی

محمدامیر شیخ نوری

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان

طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: الغدير

سرشناسه: شیخ نوری، محمدامیر، ۱۳۳۲-.

عنوان و نام پدیدآور: میرزا کوچک خان و استعمارستیزی / محمدامیر شیخ نوری.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۴۷۷ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸-۳۳۳-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

موضوع: میرزا کوچک خان، یونس بن میرزا بزرگ، ۱۲۹۸-۱۳۴۰ ق.

موضوع: ایران — تاریخ — قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۲۴۴ ق. — جنبش‌ها و قیام‌ها.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: DSR ۱۴۷۱/ش ۹م ۱۳۹۴

رده‌بندی دیوبی: ۹۵۵/۰۷۵۲۰۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۵۸۳۰۲

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست

پیشگفتار	۷
مقدمه	۱۱
بخش اول: ایران در جنگ جهانی اول	۱۷
فصل اول: اوضاع گیلان در جنگ جهانی اول	۵۳
فصل دوم: ایران و انقلاب اکتبر روسیه	۹۵
بخش دوم: نهضت جنگل	۱۰۹
فصل اول: آغاز نهضت	۱۱۳
فصل دوم: خاستگاه اجتماعی نهضت	۱۴۳
فصل سوم: انگیزه‌های رهبران قیام	۱۵۷
الف) ایرانی و اسلامی بودن نهضت جنگل	۱۶۸
ب) مرام‌نامه نهضت جنگل	۱۷۷
فصل چهارم: مواضع میرزا کوچک‌خان در حفظ استقلال ایران	۱۸۵
فصل پنجم: میرزا کوچک‌خان و جنگ جهانی اول	۱۹۱
الف) بلشویک‌ها و نهضت جنگل	۱۹۱
ب) انگلیس و نهضت جنگل	۲۰۷
بخش سوم: شوروی و نهضت جنگل	۲۴۳
فصل اول: روابط بازرگانی ایران و روسیه	۲۴۵
فصل دوم: سیاست خارجی شوروی	۲۶۳
فصل سوم: تجاوز بلشویک‌ها به ایران	۲۷۷

۳۱۷.....	فصل چهارم: قرارداد ایران و شوروی
۳۲۷.....	بخش چهارم: انگلستان و پایان نهضت جنگل
۳۲۹.....	فصل اول: قرارداد وثوق الدوله - کاکس ۱۹۱۹
۳۴۱.....	فصل دوم: کودتای ۱۲۹۹
۳۴۷.....	فصل سوم: درگیری قشون انگلیس با نیروهای جنگل
۳۷۱.....	فصل چهارم: سازش انگلستان و شوروی بر ضد نهضت جنگل
۳۷۱.....	الف) تغییر سیاست دولت شوروی درباره نهضت جنگل
۳۸۲.....	ب) حمله قوای نظامی دولت مرکزی با حمایت انگلستان و شوروی
۴۰۷.....	نتیجه
۴۱۷.....	کتابنامه
۴۲۹.....	مقالات
۴۳۲.....	کتابشناسی لاتین
۴۳۳.....	فهرست آیات
۴۳۵.....	نمایه اعلام
۴۴۳.....	نمایه موضوعی
۴۴۵.....	پیوست‌ها

پیشگفتار

در پرتو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، بار دیگر دین و معرفت دینی - به‌ویژه تعلیم متعالی اسلامی - به‌عنوان فکر و فرهنگ مترقی و نجات‌بخش آدمی در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات تعلیم و حیانی و ارزش‌های اسلامی از سویی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ستم‌ستیزی در آنان و از سوی دیگر، باعث نمایان‌تر شدن سست‌پایگی مسلک‌ها و مکاتب بشری و نظام‌های مبتنی بر آنها شد.

بایستگی تحقیقات دقیق و منسجم، نظریه‌پروری و نوآوری درباره زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظام‌های اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث فکری، به فراخور اوضاع کنونی و درخور این رستخیز عظیم و لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ملی و باورداشت‌های رایج دینی برای تبیین و عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی دین و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری قشرهای تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی - پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی محض و کارآمدی را ایجاب می‌کرد.

براین اساس، «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» به‌عنوان یک نهاد علمی-فکری حسب الامر و بر اساس نظر رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی، آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، و با تلاش فراوان حجت‌الاسلام‌والمسلمین علی‌اکبر رشاد در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

این پژوهشگاه دارای شخصیتی حقوقی، مستقل و در حکم نهاد عمومی، غیردولتی و غیرانتفاعی است که در قالب چهار پژوهشکده «حکمت و دین‌پژوهی»، «نظام‌های اسلامی»، «فرهنگ و مطالعات اجتماعی»، «دانشنامه‌نگاری دینی» و مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

«پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی» که متشکل از پنج گروه «فرهنگ‌پژوهی»، «مطالعات انقلاب اسلامی»، «تاریخ و تمدن»، «غرب‌شناسی» و «ادبیات اندیشه» است، در راستای ساماندهی تأملات و کاوش‌ها درباره تحولات فرهنگی و اجتماعی، می‌کوشد زمینه تولید آثاری با جهت‌گیری انتقادی و بومی را درباره مسائل و مشکلات حوزه‌های یادشده فراهم کند:

۱. شناخت و بازپیرایی موارث مکتوب علمی اسلامی در حوزه تاریخ، تمدن، فرهنگ و هنر ایران و اسلام؛

۲. تحقیق در زمینه تحولات، مبانی و مسائل تمدن، فرهنگ و هنر اسلامی - ایرانی؛

۳. تحلیل و واکاوی کاستی‌های دیرین، آسیب‌شناسی وضعیت کنونی، بررسی چشم‌انداز و چالش‌های آتی فرهنگ و تمدن اسلامی و ارائه راهکارهای شایسته برای احیا و ارتقای فرهنگ و هنر اسلامی - ایرانی و تعمیق پیوند نسل امروز با آن؛

۴. بررسی و تبیین نظری پیشینه، مبانی، اهداف و فرایند تحقق انقلاب اسلامی، مطالعه و بازشناسی مسائل و موانع انقلاب و راه‌های تحکیم اصول و توسعه آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی آن و مصون‌سازی طبقات اجتماعی در قبال تازش فکری - فرهنگی بیگانگان؛

۵. بازشناسی ماهیت و مؤلفه‌های فکر و فرهنگ غربی، نقد و ارزیابی علمی دستاوردهای تمدن جدید و بررسی راه‌های توسعه اندیشه اسلامی و طرق اصطیاد عناصر انسانی و عقلانی فرهنگ و تمدن دیگر ملل؛

۶. نقد آثار منتشرشده و آرای مطرح‌شده در حوزه‌های مطالعاتی پژوهشکده.

تحقیق حاضر که نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند آقای دکتر محمدامیر شیخ‌نوری در گروه تاریخ و تمدن پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی است، به موضوع شکل‌گیری قیام جنگل به رهبری میرزا کوچک‌خان و مبارزه

با استعمار روس و انگلیس می‌پردازد. ایشان فارغ‌التحصیل دکترای رشته تاریخ از کشور فرانسه هستند و تا کنون حدود بیست جلد کتاب در زمینه تاریخ معاصر ایران مانند تاریخ نفت در ایران و خاورمیانه، فراز و فرود اصلاحات در دوره امیرکبیر، صهیونیسم و نقد تاریخ‌نگاری معاصر غرب، تاریخ اسلام در آسیای مرکزی تا مغول، مسائل اقتصادی - سیاسی نفت ایران، خیزش جنوب، تاریخ عثمانی و خاورمیانه، مبارزات آیت‌الله سید عبدالله بلادی بوشهری در جنگ جهانی اول و اوایل دوره رضاشاه و مقالات زیادی تألیف کرده‌اند. و هم‌اکنون نام‌برده عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء و عضو شورای علمی گروه تاریخ و تمدن پژوهشگاه هستند.

قیام جنگل با همت و رهبری یکی از مردان آزادی‌خواه و مبارز این سرزمین، به نام میرزا کوچک‌خان، در منطقه گیلان به وقوع پیوست. بنا بر شواهد و قرائن تاریخی، میرزا کوچک‌خان مسلمانی میهن‌دوست بود که با انگیزه اجرای احکام دینی و جلوگیری از دخالت و تجاوز بیگانگان به وطن، به میدان مبارزه قدم نهاد و استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، عدالت‌جویی و استعمارستیزی از ویژگی‌های اصلی شخصیت او به شمار می‌آید. مسیر قیام مردانه او بعد از اینکه به گرداب نیرنگ و توفان خیانت دچار شد، با ضلالت افکار اطرافیان میرزا، منحرف شد؛ اما میرزا کوچک‌خان بر عزم و اراده خویش مصمم و پایدار ماند و بدون ترس از قدرت قزاق‌ها و رضاخان، تا آخرین لحظه استقامت کرد و نام خویش را به‌عنوان یکی از مبارزان ضداستبداد و ضداستعمار در تاریخ ایران جاودانه کرد.

پژوهش حاضر، با اتکا به اسناد و شواهد تاریخی و منابع تحقیقاتی، گوشه‌هایی از تاریخ معاصر ایران را به تصویر می‌کشد و جلوه‌هایی از مجاهدت مردی مبارز که خیال آزادی وطن از ظلم و جور داخلی و رهایی از غارت و چپاول استعمار خارجی را در سر داشت، برای نسل امروز ایران‌زمین نمایان می‌کند.

بر خود لازم می‌دانیم از تلاش‌های علمی و ارزشمند محقق محترم، جناب آقای دکتر محمدامیر شیخ‌نوری، تقدیر و تشکر کنیم. همچنین از شورای علمی گروه تاریخ و تمدن، آقایان حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد، حجت‌الاسلام والمسلمین

علی ذوعلم، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدهادی دوست‌محمدی، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محرمی، دکتر علی بیگدلی، دکتر محمد سپهری، دکتر حسین احمدی، دکتر شهریار شجاعی‌پور، دکتر یعقوب توکلی، دکتر عباس پرتوی‌مقدم، مهدی جمالی‌فر و ناظر علمی محترم این تحقیق، آقای دکتر مرتضی نورائی و ارزیاب محترم آن، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای علی ذوعلم که با نظرهای ارزشمند خود بر غنای این اثر افزودند، بسیار سپاسگزاریم. از سازمان محترم انتشارات نیز که در آماده‌سازی و چاپ اثر، مجدانه تلاش کردند متشکریم. در خاتمه، امیدواریم دیدگاه‌های خوانندگان عزیز و علاقه‌مندان، ما را در اصلاح و تکمیل این اثر و تولید آثار گران‌سنگ دیگر یاری رسانند.

گروه تاریخ و تمدن

پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی

■ مقدمه ■

غریبان را دل از بهر تو خون است
دل خویشان نمی‌دانم که چون است
دگر سبزی نروید بر لب جوی
که آب چشمه‌ها عنب‌گون است
دگر خون سیاوشان بود رنگ
که باران بیشتر سیلاب خون است
نمی‌دانم حدیثِ نامه چون است
همی بینم که عنوانش به خون است

سعدی

رقابت روسیه و انگلستان در ایران، در مسئله کلی مناسبات آنان در نیمه دوم قرن نوزدهم، اهمیت فراوانی دارد. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و اهمیت سوق‌الجیشی و اقتصادی‌اش، همواره کانون رقابت‌های بی‌امان اقتصادی و سیاسی روسیه و انگلستان بوده است.

لرد کرزن، مغز متفکر استعماری انگلستان، بر اهمیت سیاسی ایران برای امپراتوری انگلستان تأکید و پیشنهاد می‌داد سیستان، بلوچستان و خلیج فارس به مستملکه امپراتوری بریتانیا تبدیل شوند که این موضوع، موقعیت بریتانیای کبیر را در

خاورمیانه و هندوستان بسیار تقویت می‌کرد. او به ایران همچون سرچشمه مواد خام ارزان و بازار پرسود و فروش هم اهمیتی بسیار می‌داد. «ایران برای رشد فعالیت بازرگانی انگلستان و به‌کار انداختن سودمند سرمایه انگلیسی میدانی مناسب است».^۱

ایران برای روسیه هم اهمیت فراوانی داشت. محافل حاکمه از آن بیم داشتند که ایران می‌تواند میدانی برای حمله به روسیه شود. حکومت تزاری می‌کوشید سودمندترین موقعیت سیاسی و اقتصادی را در این کشور به دست آورد و در راه فرمان‌بردار ساختن آن تلاش کند. پایه‌های مصالح سیاسی روسیه در ایران، نقش منافع اقتصادی نیز پررنگ‌تر می‌شد. در محافل حاکمه روسیه، مسئله‌های وابسته به برخورداری از بازار ایران بررسی می‌شد. الهام‌دهندگان سیاست روسیه در خاور زمین، مانند آ. ن. کوروپاتکین (وزیر جنگ) و س. یو. ویته (وزیر مالیه)، ذی‌نفع بودن روسیه را در بازار ایران، که با گذشت زمان بیشتر می‌شد، ارزیابی می‌کردند.^۲

در این دوران، ایران کلید فتح هندوستان، یکی از مستعمره‌های ثروتمند آسیایی آن روز، به‌شمار می‌رفت. در واقع نه‌تنها دولت انگلستان پنجه استعماری خود را به این سرزمین ثروتمند افکنده بود، بلکه هندوستان مدنظر سیاست‌مداران روسیه تزاری و فرانسه ناپلئونی نیز واقع شده بود.

این وضعیت، ایران را به‌صورت طعمه‌ای درآورده بود که کرکسان - هزار هزار - گرد او را فراگرفته بودند و بر سر استفاده از موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی آن منقار می‌زدند و سرانجام هریک قطعه‌ای ربودند و آنچه برای ایران باقی ماند، به یک نوار کوهستانی دور حاشیه مرکزی منحصر شد.^۳

بدین ترتیب، انگلیسی‌ها در جنوب و روس‌ها در شمال می‌تاختند. مرکز ایران، یعنی پایتخت، و شاه هم بین انگلستان و روسیه دست‌وپا می‌زد و نظاره‌گر وقایع بود.

۱. کولاکینا لود میلا؛ *استیلای امپریالیسم بر ایران*؛ ص ۱۰.

۲. همان، ص ۱۱.

۳. علی اکبر بینا؛ *تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران*؛ ج ۲، ص ۱.

به موجب گزارش رسمی کارگزاران رشت و انزلی، از ۲۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۷ تا آخر ذی‌الحجه ۱۳۲۸ دو هزار و صد قزاق و سالدات روسی - با تجهیزات جنگی - به گیلان وارد شدند. نکراسف، قنصل روس در رشت که افسری خشن و مغرور بود، در هر فرصتی ضمن اجرای سیاست مداخله‌جویانه دولت متبوعش، سفاکی و خبث باطنی خاصی را آشکار می‌کرد. دستور روزانه قنصل این بود که قزاقان روس - با قیافه‌های غضب‌آلود و خشمناک - سوار بر اسب‌های قوی‌هیکل، چهارنعل و بدون هیچ‌گونه ضرورت نظامی در خیابان‌ها و بازارها بتازند و همچون فاتحانی که به کشوری مغلوب دست یافته‌اند، سرودخوانان از مقابل مردم عبور کنند.^۱

در این اوضاع و احوال میرزا کوچک‌خان، با استفاده از جنگ جهانی اول و گرفتارشدن دولت‌های اروپایی با یکدیگر، قیام هفت‌ساله خود را شروع می‌کند و «در طول مبارزات هفت‌ساله نهضت، میرزا کوچک‌خان توانست با تکیه بر نیروی ملت و به‌عنوان یک نیروی مستقل ملی و مذهبی، در مقابل نفوذ خارجی و وابستگان داخلی بایستد و حتی یک گام از منافع ملی فراتر نرود».^۲

ابراهیم فخرایی در این‌باره می‌نویسد: «فقر و بیکاری و مهم‌تر از همه فقدان امنیت و تجاوز قوی بر ضعیف که به جامعه ایرانی عموماً و به جماعت گیلانی خصوصاً تحمیل شده بود و وجود اغتشاش در سراسر کشور، بر اثر دسائس بی‌انقطاع همسایه جنوبی (انگلیس) و تعدیات بی‌پروای همسایه شمالی، جنگلی‌ها را بر آن داشت که مانند سران ملیون چنین بیندیشند که چنانچه با امکانات موجود کسب قدرت کنند، خواهند توانست نه‌تنها تعدی و جور را منکوب کنند و هم‌وطنانشان را از مواجهه با ناراحتی‌ها نجات دهند، بلکه در تاریخ آزادی کشور نیز نقشی قهرمانانه به عهده بگیرند؛ چه آنها معتقد بودند که بر هر مسلمان پاکدل ایرانی فرض است که وظیفه‌اش را به کشور و هم‌میهانش ادا کند».^۳

۱. ابراهیم فخرایی؛ گیلان در جنبش مشروطیت؛ ص ۲۲۵.

۲. کیافر سیدنوری؛ «اوضاع ایران و جهان در آستانه ظهور نهضت جنگل»؛ ص ۴۳۷.

۳. ابراهیم فخرایی؛ سردار جنگل میرزا کوچک‌خان؛ ص ۴۹.

به قول سعدی:

هلاک ما به بیابان عشق خواهد بود کجاست مرد که با ما سر سفر دارد^۱

جنگلی‌ها با صائب تبریزی نیز هم‌آهنگ بودند که:

اظهار عجز نزد ستم‌پیشه ز ابلهی است اشک کباب باعث طغیان آتش است^۲

هدف جنگلی‌ها، در سنوات اولیه، مثنی الفاظ و عبارت‌های شیوا، حاوی افکار و اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نبود، بلکه به تبعیت از شرایط عمومی روز، به این چند کلمه خلاصه می‌شد:

۱. اخراج نیروهای بیگانه؛ ۲. برقراری امنیت و رفع بی‌عدالتی؛ ۳. مبارزه با خودکامگی و استبداد.^۳

میرزا کوچک‌خان در جواب نامه روتشتاین، سفیر شوروی در ایران، می‌نویسد:

... من و یارانم در مشقت‌های فوق‌الطافه چندین ساله هیچ مقصودی نداشته و نداریم، جز حفظ ایران از تعرضات و فشار خارجی و خائنانه داخلی، تأمین آزادی و آسایش رنجبران ستم‌دیده مملکت، استقرار حکومت ملی و همه فداکاری‌های بنده و احرار جنگل برای همین مقاصد عالی بود و بس...^۴

میرزا در اعلامیه‌ای می‌گوید: «... ما تا آخرین نفرات برای حفظ دین و وطن فداکاری می‌کنیم و استظهار ما فتوا به تأییدات باطنی اسلام و توجهات حضرت حجت عصر ارواحنا فداه است».^۵

به قول حافظ:

ما را چه غم که بارگه ما کجا کنند چون سینه‌های مردم عارف مزار ماست^۶

۱. همان.

۲. همان، ص ۵۰.

۳. همان، ص ۵۱.

۴. محمدعلی گیلک: تاریخ انقلاب جنگل؛ ص ۴۸۱.

۵. همان، ص ۱۵۹ - ۱۶۰.

۶. ابراهیم فخرایی؛ سردار جنگل میرزا کوچک‌خان؛ ص ۶۳.

این تحقیق از چهار بخش تشکیل شده است:

در بخش اول با عنوان ایران در جنگ جهانی اول، هم از اوضاع کلی ایران و هم از گیلان در جنبش مشروطه و جنگ جهانی اول و درنهایت، از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه بحث شده است. در این بخش توضیح داده شده است که قدرت‌های استعماری، با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، آن را به اشغال خود درمی‌آورند و مملکت را به تاراج می‌برند. چنان‌که سوخت جنگ جهانی اول با ابعاد مختلف آن، از نفت ایران تأمین شد، بدون پرداخت یک ریال.

بخش دوم در ارتباط با نهضت جنگل است که به چه نحوی تشکیل شد و خاستگاه اجتماعی و انگیزه‌های رهبران چه بوده است. این نهضت، یک نهضت ایرانی - اسلامی بود و تمام مراحل آن شرح داده شده است. میرزا کوچک‌خان معتقد به فرائض دینی و مؤمن به اصول اخلاقی بود.

چنان‌که دکتر حشمت یکی از هم‌زمان میرزا قبل از اعدام در بازجویی می‌گوید: «... میرزا کوچک‌خان یک مرد به تمام معنا مسلمان بوده و تا به حال دامنش به بی‌عفتی، بی‌دینی، دزدی و خیانت ملوث نشده است. این شخص است که آرزو دارد اسلام را به اعلا درجه استعلا ببیند...».

سپس به مواضع میرزا کوچک‌خان در حفظ استقلال ایران پرداخته شده است که درنهایت، در راه این هدف، بی‌مروت‌ها سرش را مانند گوسفند بریدند. در پایان این بخش، به جنگ جهانی اول و میرزا کوچک‌خان پرداخته و به بلشویک‌ها و انگلیس هم اشاره‌ای شده است.

بخش سوم درباره شوروی و نهضت جنگل است. در ابتدای این فصل، روابط بازرگانی ایران و روسیه توضیح داده شده است. در زمانی که کلاً منطقه شمال ایران پر از کالاهای روسی بود و از طرف دیگر، روس‌ها تشویق به خرید زمین‌های گیلان و مازندران از طرف دولت خود می‌شدند؛ زیرا روسیه قصد داشت منطقه شمال ایران را به صورت کلنی خود دریاورد. سپس از تجاوز بلشویک‌ها به خاک ایران بحث شده و در عمل، بلشویک‌ها ثابت کردند هیچ فرقی با تزارها و انگلیسی‌ها ندارند. آنها هرچند خود را طرفدار نهضت‌های

رهایی‌بخش معرفی می‌کردند، حرف آنها در عمل با شعارشان یکی نبود و در نهایت هم با انگلیسی‌ها قرارداد امضا کردند و نهضت جنگل، قربانی سیاست‌های توسعه‌طلبانه آنها شد.

در بخش چهارم، یعنی آخرین بخش، به سیاست‌های انگلستان پرداخته شده است که به کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ و روی‌کارآوردن رضاخان منجر شد. او یا پشتیبانی انگلیس و روسیه موفق شد قیام کوچک‌خان را نابود کند و یک منطقه امن برای انگلستان فراهم آورد تا انگلستان بتواند با خیال راحت به غارت نفت ایران ادامه دهد.

دکتر محمدامیر شیخ‌نوری